

عیب جویی ناروا در موعظه اخلاقی امام باقر(ع)



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا جوهری
عفو هدایت علمی دانشگاه فراموشی مشهد

انسان باید همواره به عیب خود فکر کند و عیب خود را بیابد و آن را برطرف کند. امام محمد باقر(ع) در رهنمودی فرموده‌اند: « همین عیب برای آدم کافی است که از عیب‌های مردم ببیند آنچه از خودش را نمی بیند، یا بر مردم عیب بگیرد چیزی را که خودش گرفتار آن است و نمی تواند از آن عیب به غیر آن تحول یابد، و اینکه هم نشینش را به آنچه سزاوار نیست، آزاد دهد». در این گفتار اخلاقی، غفلت از عیب خویش و فراموشی آن و ندیدنش و دیدن عیب دیگران، نکوهش شده است. این رویکرد، یک عیب بزرگ اخلاقی است؛ اینکه انسان عیبی را که در خودش وجود دارد، عیب نبیند و همان عیب را در دیگران عیب بداند، بسیار زشت است؛ البته عیب جویی از رفتار و گفتار خود برای اصلاح خویشتن، یک ارزش اخلاقی است.

امام باقر(ع) در این حدیث، سه چیز را برای انسان‌ها عیب دانسته‌اند: دیدن عیب‌های مردم و ندیدن همان عیب‌ها در خویش^(۱) و «عیب گرفتن بر مردم چیزی را که خود به آن گرفتار است و نمی تواند آن عیب را از خود بزاید» و «ازدن هم نشین با رفتار و گفتار بد»، سه صفت زشت و عیب اخلاقی است که در این بیان امام پنجم^(ع) نفی شده است. عیب اول و دوم با هم در ارتباط است. اینکه انسان عیبی را که خود دارد، نبیند و همان را در مردم عیب ببیند،

زشت است؛ چه استطاعت داشته باشد آن عیب را از خود دور کند و چه نداشته باشد. از آن بدتر این است که انسان عیبی را که خود به آن آلوده است و از برطرف کردن آن ناتوان، در دیگران عیب بشمارد و آنان را نکوهش کند. در مجموع اینکه آدمی به عیب دیگران، بینا و در برابر همان عیب از خودش کور باشد، عیب بزرگ انسان‌هاست. غفلت از عیب‌های خویش باعث می شود عیب دیگری هر چند اندک، بزرگ جلوه کند؛ چون عیب جور صدد است که برای خود همتا بسازد و بدتر از خود را به مردم معرفی کند، بنابراین کوچک ترین نقص از غیر را می بیند و همان را بزرگ قلمداد می کند. اگر انسان، عیب جوی رفتار و گفتار خویش نباشد، به عیب‌ها و لغزش های دیگران توجه می کند. بدتر از عیب جویی که به عیب جویی از خود مشغول نیست و به عیب دیگران نظر دارد و آنان را سرزنش می کند،

کسی است که همان عیب را بر خود ببیند و در صدد توجیه عیب و نقض و لغزش خویش برآید؛ توجیهاتی که قوی تر از آن‌ها را برای همان عیب در دیگران نمی پسندد. اگر انسان با مشاهده عیب‌های دیگران، بخواهد عیب‌های خودش را نبیند و مخفی کند، گرفتار عیب‌های جدید خواهد شد و از مسیر اصلاح خویش بیشتر فاصله خواهد گرفت و سرانجام عیب‌های فراوان، موجب سقوط و بدبختی او خواهد شد. راه رفع صفت زشت عیب جویی از دیگران، هوشیاری و توجه به عیب خویشتن است. نادیده انگاشتن عیب‌های خویش، عامل زبان کشودن به عیب‌های دیگران است. هنگامی که انسان به عیب‌های باطن خود بیرداز و پیگیر باشد، می فهمد که عیب‌هایش تمام شدنی نیست. وقتی برنامه ریزی می کند که یک عیبش را برطرف کند، به عیب‌های دیگری پی می برد و در راه تہذیب و تزکیه نفس، پایدار خواهد شد. عیب زشت دیگر که در این حدیث یادآوری شده و خارج از عیب جویی است، مردم آزاری است. انسان باید با هم نشین خود برخورد زیبا و همراه با مهربانی داشته باشد و هرگز با چیزهای نامربوط و بیپهوه او را آزار ندهد. شوخی های حرام و گفتار و رفتار آزار دهنده با هم نشین، ممنوع است. حقوق هم نشین در خانه و هم نشین در اتوبوس و تاکسی و هواپیما باید رعایت شود و بی احترامی به آنان و آزدنشان روانیست.

رغبت سلیمانی؛ آرزوی شهادت



حجت الاسلام والمسلمین حسین آبراهیمی
نقال فرشتی

یکی از شب‌های زیبای سال، شب لیلہ الرغائب است. کلمه رغائب، یک کلمه عربی و صورت جمع است و از ریشه «رَغَب» به معنای رغبت و اشتیاق به چیزی است، بنابراین درواقع و در ترجمه تحت اللفظی، لیلہ الرغائب و شب رغائب به معنای شب اشتیاق هاست. نکته بعدی این است که باید پرسید این اشتیاق به چه موضوعی است؟ پاسخ این است که به طور کلی در روایات ما، این اشتیاق و میل به عبادت برای رسیدن به ثواب عظیم خداوند است، همچنان که لغت پژوهان درباره نماز رغائب گفته اند: «صلاه الرِّغَائِبِ أی ما يُرَغَّبُ فیها من الثواب العظیم؛ نماز رغائب یعنی میل به نماز برای رسیدن به ثواب عظیم خداوند». (مجمع البحرین، ج ۲، ص ۷۲).

اما امسال مناسبتی در تقویم پدید آمده است که معنایی دوباره به لیلہ الرغائب بخشیده است و امسال باید از تمام این معانی گذر کرد و به معانی بالاتری رسید. وقتی این شب زیبا با سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی مصادف می شود، رنگ دیگری به خود می گیرد. درواقع این مصادف شدن به همه ما می خواهد بگوید که این رغبت و آرزو در همه ما در این شب، باید رنگ مکتب حاج قاسم به خود بگیرد. با نگاهی عمیق باید گاهی از خودمان بیرسیم که به راحتی میل و رغبت ما در زندگی به چه چیزی یا چه کسی است؟ و چه چیزی و چه کسی انگیزه و اراده ما را برای حرکت در زندگی، تحریک و تقویت می کند؟ آیا آن چیز میل به رسیدن به رضایت حق و آن کس، خداست؟

در تمام زندگی حاج قاسم یک رغبت و اشتیاق دیده می شود و آن شهادت است. شهادت آرزوی بسیاری از اولیای خداست؛ عاقبتی که مدال یک عمر مجاهدت و خداخواهی است. در این شب با خودمان ببند پیشیم این عزتی که حاج قاسم به آن رسیده است، آیا دردسترس ما نیست که با حرکت کردن در مسیر خدا و خداخواهی و خداجویی و میل و اشتیاق به دیدار آن معشوق ازلی، زندگی خودمان را بسازیم و از سختی‌ها نهراسیم و دنبال راحت طلبی و قدرت طلبی نباشیم؟ حاج قاسم بارها این جمله را تکرار می کرد که برای شهید شدن باید مثل شهدا زندگی کرد و شهید زیست. امیرالمؤمنین^(ع) در خطبه ۲۳ نهج البلاغه، قبل از آرزو کردن و دعا برای رسیدن به مقام شهیدان، تشریح می کند که شهیدانه زیستن با چه دستورهایی انجام می پذیرد و چگونه می توان شهید زندگی کرد. حضرت

در این خطبه در بیانی کوتاه می فرماید: فَاحْذَرُوا مِنْ...! مَا حَذَرُکُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَ احْشَوْهُ حَشْوَةَ لَيْسَتْ بِتَعَذُّرٍ؛ وَ اَعْمَلُوا فِيْ غَيْرِ رِيَاءٍ وَ لَا شَمْعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَّعْمَلْ لِّغَيْرٍ...! يَكُنْ لَهُ...! [إِلَى مِنْ] لِمَنْ عَمِلَ لَهُ. تَسْأَلُ...! مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَهُ السُّعْدَاءِ وَ مِرَاقِفَهُ الْاُكْبِيَاءِ.

یعنی از خدا در آنچه اعلام خطر کرده است، برحذر باشید. از خدا آن گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید. عمل نیک انجام دهید بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید، زیرا هرکه، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد. از خدا، درجات شهیدان و زندگی سعادتمندان و هم نشینی با پیامبران را درخواست می کنیم. این بیان امیرالمؤمنین^(ع) در واقع می خواهد بگوید که رسیدن به درجات شهیدان و آرزوی شهادت داشتن، مقدماتی دارد و آن ترک گناه و کار کردن برای خداست و باید پیوسته در این دو مورد کوشش کنیم تا بتوانیم به این عزت ابدی دست پیدا کنیم، ان شاء الله!...

پیش بینی پیامبر(ص)

امام باقر^(ع) جزو کسانی هستند که پیامبر اکرم^(ص) درباره ولادت ایشان پیشگویی کرده بودند و به جابراین عید...! انصاری فرمودند: «شمارزنده می مانید و فرزندی از فرزندان من را با نام محمد خواهید دید که علم را خواهد شکافت». امام باقر^(ع) ۴۷ سال بعد از ارتحال پیامبر^(ص) در سال ۵۷ هجری متولد شدند و در سال ۱۱۴ هجری قمری در پنجاه و هفت سالگی به شهادت رسیدند. برای بررسی شرایط حیات بایرت ایشان و آنچه به عنوان اقدامات علمی و نقل حدیث انجام دادند، باید شرایط زمانه‌ای را که در آن زیسته‌اند، بررسی کنیم.

وقتی شرایط به نفع امامت شد...

امام سجاد^(ع) در سال ۹۴ هجری قمری از دنیا رفتند. در این سال، ولید بن عبد الملک بر سر کار بود و تا سال ۹۶ حکمرانی کرد. از سال ۹۶ تا ۹۹ هجری قمری سلیمان بن عبد الملک و از سال ۹۹ تا ۱۰۲ هجری، عمر بن عبد العزیز بر سر کار آمدند. در دوران عمر بن عبد العزیز سه کار مهم صورت گرفت؛ ابتدا اجازه نشر و کتابت احادیث که تا پیش از آن اجازه این کار داده نمی شد. دومین کار مهم وی، برگرداندن فدک و سومین کار مهم او، این بود که به جای اهانت به امیرالمؤمنین^(ع) در خطبه نماز جمعه، آیه «إِنَّ...! يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» خوانده شود.

کادرسازی و نخبه‌پروری

این اقدامات باعث شد فضا در آن دوران بازتر از گذشته شود. لذا در مکتب امام باقر^(ع) شاگردان اثرگذاری تربیت شدند. ازجمله این شاگردان می توان به محمد بن مسلم، زراره، ابو بصیر، جابر بن یزید جعفی و ایاب تغلب اشاره کرد. هرگاه امام محمد باقر^(ع) به مدینه می آمدند، کرسی درس خود را به ایاب تغلب واگذار می کردند و به وی می گفتند در مجلس بنشین و فتوا بده، نه اینکه فقط حدیث بگویی!

جلوه اخلاق

امام محمد باقر^(ع) از فضای باز آن زمان استفاده کردند و علوم را نشر دادند که شامل علوم دینی (فقه) و اخلاق نیز می شد. درباره اخلاق امام محمد باقر^(ع) مصداق و مثال فراوان است. نقل شده است روزی شخصی به امام باقر^(ع) اهانت کرد و ایشان را بقر خطاب کرد. حضرت در جواب وی فرمودند: «من باقر شکافته علم هستم». آن فرد مجددا به ایشان گفت: شما فرزند زنی هستی که غذا بلخ می کند. امام^(ع) در جواب فرمودند: «بله، آشپزی، حرقه زن است». آن فرد سپس به مادر حضرت اهانت کرد. امام محمد باقر^(ع) در جواب این اهانت فرمودند: «اگر آنچه درباره مادر من گفتی صحت داشته باشد، خدا مادر من را بیامزد و اگر در او نبوده است و شما نسبت ناروا به ایشان داده اید، خدا شما را بیامزد!». این رفتار سبب شد که آن فرد از امام عذرخواهی کنند.

گشایش ابواب مختلف فقه

امام محمد باقر^(ع) برای تبیین فقه، ابواب متعددی را گشودند و توانستند فقه مد نظر پیامبر اسلام^(ص) را از طریق نقل حدیث منتقل کنند، برای مثال عامه و خاصه احادیث مرتبط با حج را که یک عمل عبادی و نماد عظیمی از جهان اسلام و مسلمین است، از امام محمد باقر^(ع) و امام جعفر صادق^(ع) نقل کرده‌اند. با وجود آنکه منبع آن پیامبر اسلام^(ص) است، سند نقلش به امام محمد باقر^(ع) می رسد. همچنین است بسیاری از ابواب دیگر فقه که امام باقر^(ع) آن‌ها را تبیین کرده‌اند.

در گفت وگو با استاد سطوح عالی حوزه علمیه

دستاوردهای نهضت علمی پنجمین امام شیعیان بررسی شد

امام محمد باقر(ع) احیاگر علم ناب دینی



آمنه مستقیمي | آغاز فصل طلایی زندگی یعنی ماه رجب، شعبان و رمضان المبارک، با سالروز ولادت امامی گره خورده است که اگر نبود نهضت علمی فرهنگی ایشان و اهتمامی که به شاگردپروری و نقل حدیث داشتند، امروز نه فقط شیعیان بلکه مسلمانان جز نام، چیزی نداشتند. به مناسبت فرارسیدن این روز، در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین علی نظری منقر، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و کارشناس برنامه سمت خدا، مروری کرده ایم خدمات آن حضرت را.

حجت الاسلام والمسلمین نظری منقر، امام محمد باقر^(ع) نه تنها در اخلاق و فقه بلکه در مسائل کلامی و اعتقادی نیز شاگردان خوبی را تربیت کردند و کادرسازی و تربیت نخبگان علمی، سیره و وجه تمایز مکتب علمی ایشان بوده است

تربیت متکلمان برجسته

در فضای باز سیاسی ایجاد شده درپی زوال قدرت بنی امیه، امام باقر^(ع) مکتب علمی فکری را به راه انداختند که شخصیت های برجسته ای نظیر زراره و محمد بن مسلم در آن پرورش یافتند. امام باقر^(ع) در مسائل کلامی نیز شاگردانی نظیر حرمان بن اُغین، برادر بزرگ زراره، را تربیت کردند. حرمان، متکلم و دانشمند برجسته‌ای بوده است، بنابراین امام محمد باقر^(ع) نه تنها در اخلاق و فقه بلکه در مسائل کلامی و اعتقادی نیز شاگردان خوبی را تربیت کردند و کادرسازی و تربیت نخبگان علمی، سیره و وجه تمایز مکتب علمی ایشان بوده است.

توصیه مؤکد به عقلانیت

اسلام اجازه بحث در موضوعات مختلف را به انسان‌ها داده اما معتقد است که مجادله باید مجادله احسن و همراه با برهان باشد. امام باقر^(ع) نیز به افراد اجازه طرح مسائل مختلف را می دادند تا مطالب را همین طور قبول نکنند. حرمان، از شاگردان برجسته امام باقر^(ع)، متکلمی زبده بود، متکلم به معنای کسی که از دریچه عقل به دین، نگاه و مسائل دینی را با عقل بیان می کند. بعد از امام سجاد^(ع) که مطالب را در قالب دعا بیان می کردند، امام باقر^(ع) معارف اهل بیت^(ع) را با تربیت شاگردان خود رواج دادند و مردم را به پذیرش دین برپایه عقلانیت دعوت کردند.

کشاورزی در کنار تربیت شاگرد

برای الگوگیری از امام باقر^(ع) در دانشجوپروری و ارتباط با نسل جوان و دانشجو و نخبه باید به دست پرورده‌های ایشان و آن‌ها که در مکتبشان پرورش یافته‌اند، نگاه کنیم. در عین حال امام باقر^(ع) به کارهای زراعی نیز مشغول بودند. زمانی شخصی به نام محمد بن منکدر که شخصیت مطرحی در عصر امام باقر^(ع) بوده است، ایشان را در حال کار کردن می بیند. وی به حضرت عرض می کند: اگر در این شرایط عزرائیل به سراغ شما بیاید، چه کاری کنید؟ حضرت باقر العلوم^(ع) می فرماید: «بهترین حالت خواهد بود، چرا که انسان برای آنکه بتواند زندگی خود را تأمین کند، باید کار نیز بکند». در واقع امام محمد باقر^(ع) در کنار شاگردپروری و کار جدی علمی، برای تأمین معاش، کشاورزی نیز می کردند که درسی بزرگ برای امروز ماست.

احیاگر امید با علم و دانش

امام باقر^(ع) بعد از خفان، ب‌أس و ناامیدی پس از عاشورا با آن نهضت علمی، توانستند روحیه امید و انگیزه را به جامعه شیعی تزریق کنند. ما هم امروز می توانیم با نهضت علمی، تقویت و تعمیق قدرت علمی، با تأسی به امام باقر^(ع) با روحیه ناامیدی مقابله کنیم. آثمه اطهار^(ع) در شرایط مختلف، ما را به قرآن رجاع داده‌اند. در قرآن کریم، خداوند متعال وعده پیروزی قطعی را به مسلمانان داده است. قرآن می فرماید: «الْاَتْخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ؛ یعنی سست و ناراحت نشوید، شما برتر خواهید بود».

دین خدا را یاری کنید!

این ما هستیم که باید در این شرایط از امتحان سربلند بیرون بیاییم. روزگاری تنها پیامبر^(ص)، امیرالمؤمنین^(ع) و حضرت خدیجه^(ص) مسلمان بودند، اما امروز نزدیک به ۲ میلیارد مسلمان در دنیا داریم و این نتیجه پایداری بر حق است. ما هم امروز باید به وظیفه خود عمل کنیم و بدانیم که اسلام جاودان است. امام باقر^(ع) هم این وعده را به شاگردان خود داده‌اند؛ چنان که خداوند متعال در آخر سوره مبارک محمد^(ص) می فرماید: اگر شما به دین پشت کنید، عده ای می آیند که همانند شما نیستند و آن‌ها دین را یاری خواهند کرد.

وجود یک آجر غصبی در بنای یک خانه، رهن بر ویرانی آن خانه خواهد بود! (نهج البلاغه، کلمه ۲۳۲).

روشنا

امام علی^(ع)
الْحَجَرُ الْقَصْبُ فِي الدَّارِ زَهْنٌ عَلٰی خِرَابِهَا!

احکام

انجام تکلیف شرعی کودک نابالغ

آیتا...! العظمی خامنه‌ای : نابالغ تکلیفی ندارد، ولی دیگران نسبت به او در مواردی تکلیف دارند.

آیتا...! العظمی شبیری زنجانی : ۱. خیر. ۲. خیر، تفاوتی ندارند. ۳. خیر، تفاوتی نیست.

آیتا...! العظمی صافی گلپایگانی: به طور کلی از شرایط تکلیف، بلوغ است و فرقی بین تکالیف نیست، البته بعضی احکام وضعیه بر او مرتب خواهد بود، مانند ضمانات، ولی عبادات صبی (کودک و نوجوان) مشروع است.

آیتا...! العظمی مکارم شیرازی: کودک غیربالغ، مشمول احکام شرعی نیست، ولی احکامی که عقل او قبح یا حسن آن را به خوبی تشخیص می‌دهد، مانند قتل نفس، آزار دیگران و نجات جان غریق، باید عمل کند.

آیتا...! هادی‌تهرانی: کودک نابالغ ممیز، مشمول احکام شرعی است؛ بدین معنا که اگر مثلا یک عبادت واجب یا مستحبی را با رعایت اجزا و شرایطش انجام دهد، صحیح است یا بسیاری از احکام وضعی برای او ثابت است؛ مانند اینکه اگر مال دیگری را تلف کند، ضامن است، البته در خصوص محرمات و واجبات، الزامی نسبت به انجام یا ترک، بر عهده وی نیست، بنابراین بر یک نابالغ لازم نیست مثلا نمازهای یومیه را بخواند، هرچند اگر با رعایت اجزا و شرایطش بخواند، صحیح است.